

سفر در زمان با دست‌سازهای بند انگشتی!

گفت و گو با «فاطمه فخار» که ماکت‌های ۳ بعدی‌اش به صورت نمونه‌های مینیاتوری

از وسایل نوستالژیک مورد توجه قرار گرفته است



مهدیس مرادیان | روزنامه‌نگار

پرونده

حتما شما هم بارها ویدئوهایی از خانه‌های مینیاتوری را که وسایلیش اندازه بند انگشت است و یک دست در آن مشغول کار است تا کاربرد آن وسیله را نشان دهد، در شبکه‌های اجتماعی دیده‌اید. یکی از هنرمندانی که چنین وسایلی را می‌سازد، فاطمه فخار است. او در صفحه اینستاگرامی‌اش آثار هنرمندانه و ظریفش را به اشتراک می‌گذارد و مخاطبان زیادی، شیفته هنرش شده‌اند. ساخته‌های مینیاتوری فخار، با الهام از خاطرات دوران کودکی‌اش یاد انگیز و دلنشین‌تر از نمونه‌های مشابه‌اش شده‌اند. انگار عطر مطبوع و خاطره انگیز دهه ۶۰ از آن وسایل ساطع می‌شود. جلوه‌های شیرین زندگی در دهه ۶۰ را در ماکت‌های کوچک و سه‌بعدی که با ظرافت تمام به تصویر کشیده شده، در آثار هنری فخار به زیبایی می‌بینیم. او در آثارش، بهار خواب‌ها و خانه‌های دل‌باز و روح‌انگیز، پتوهای پلنگی که به رسم گذشته لب‌به‌لب دیوار پهن می‌شد، پشته‌ی تر کمن دست‌بافت که به دیوار تکیه داده می‌شد، میل مخمل قرمز رنگی که مخصوص مهمان بود، لیف‌های بافتنی و طرح دار و کیسه و سفید آب، آینه شکسته و کوچکی که پشت دوش قرار داشت، لگن پلاستیکی و قرمز رنگی که کاسه‌ای فلزی درونش جای گرفته و هر چیز دیگری که ذهنش از دوران کودکی به خاطرش می‌آورد، به نمایش می‌گذارد. در پرونده امروز زندگی سلام با او درباره نحوه ساخت این وسایل، دلایلی از فعالیت در این رشته‌هنری و... گفت و گو کردیم. همچنین از تعریف دقیق این ماکت‌های سه‌بعدی در حد بند انگشت ورشته‌هنری‌اش که دیوارها نام دارد، گفته‌ایم.



«دیوار اما» چیست؟

دیوار اما، ماکت‌های سه‌بعدی هستند که در اندازه‌های واقعی یا به صورت نمونه‌های مینیاتوری ساخته می‌شوند و ساخت این وسایل، زیر مجموعه رشته هنری دیوار اما قرار می‌گیرد. در کار رایج و محبوب از اصطلاح دیوار اما به معنای یک ماکت سه بعدی با اندازه کامل یا الگویی با مقیاس کوچک از یک منظره است که به‌طور معمول رویدادهای تاریخی، صحنه‌های طبیعت یا مناظر شهری را با اهداف آموزشی یا سرگرمی به نمایش می‌گذارد. کلمه ژانما یا دیوار اما از زبان فرانسوی در سال ۱۸۲۲ وارد زبان انگلیسی شده است. این اصطلاح از سال ۱۹۰۲، ماکتی در مقیاس کوچک از یک صحنه معنا می‌شود.

حداقل ماهی ۱۵ میلیون درآمدم دارم

فخار در پاسخ به سوالی درباره استقبال مخاطبان و درآمدش از این شغل خانقانه می‌گوید: «برای داشتن خروجی با کیفیت در این کار نیازمند صرف وقت، دقت بالا و طراحی با نهایت ظرافت هستیم. با احتساب هزینه‌های مربوط به تهیه مواد اولیه، ۱۵ میلیون تومان در ماه درآمد دارم. همچنین برای تبلیغات تلویزیونی، ۶۵ میلیون تومان و آخرین قرار دادم مربوط به ساخت یک پویانمایی عروسکی بود که با مبلغ ۲۰ میلیون تومان بسته شد.»

ساخت این وسایل ذوق می‌خواهد و تلاش

«ارتباط مستقیم و تنگاتنگی بین بومی شدن آثار و استقبال مردم از آن‌ها وجود دارد. شاید برای تان جالب باشد که من برای دیده شدن در فضای مجازی فقط ۲۰۰ هزار تومان هزینه کردم و باقی آن علاقه‌صادقانه مردم به آثار قدیمی بوده که باعث افزایش فالوئرهایم شده است»، فخار با این مقدمه ادامه می‌دهد: «بیشتر دانش‌آموختگان در چنین شاخه‌های هنری، سمت مواد طبیعی نمی‌روند، از مسیر مشخصی برای خلق آثار پیروی و بارنگ و روش‌های معمول و تدریس شده دانشگاهی ماکت‌ها را طراحی می‌کنند. این در حالی است که من در این حوزه تحصیلات آکادمیک ندارم و با روش خاص خودم و به شکل طبیعی، جزئیات را روی ماکت سوار می‌کنم. تولید این محصولات را نیازمند آموزش همراه کمی ذوق و استعداد و تلاش می‌دانم.»

این کار آفرینی‌ام، مشتری خارجی هم دارد

او که همراه خواهر و برادرش این حرفه را با مشارکت و همکاری یکدیگر، تبدیل به نوعی کارآفرینی کرده‌اند، می‌گوید: «به تازگی دوستان زیادی از خارج کشور از من خرید می‌کنند و سفارش‌های متعددی برای تبلیغات گرفتم». او در خصوص لذت ماکت‌سازی از این وسایل نوستالژی هم می‌گوید: «ساعاتی که مشغول این کار هستم، مثل کودکی که مشغول بازی است در کوچه باغ خاطرات گم می‌شوم و با هر طراحی و صحنه‌سازی، اوقات خوش کودکی برایم تداعی می‌شود که لذت زیادی از این کار می‌برم.»

دوره جامع

تربیت مربی . مدرس و تسهیلگر

پیش از ازدواج (pmc)

با تدریس

استاد

دکتر علی جهانگیری

دفتر تخصصی مشاوره ازدواج و زوج درمانگر

با ارائه گواهی معتبر از معاونت فرهنگی و جوانان و مورد اعتبار سازمان نظام روانشناسی

برگزینگان دارای کارت عضویت سازمان نظام روانشناسی جهت تدریس و تسهیلگری دعوت به محاکمات قطعی می‌گردد

شنبه ها و چهارشنبه ها

۱۲ الی ۱۶/۳۰

۲۴ ساعت آموزشی

ارسال واژه تسهیلگر به ۰۹۳۸۵۷۷۲۹۴۸

شهریه ۷۵۰ هزار تومان

تجهیز اتم، کاتر و انبر و متربال حلب روغن نباتی است

از او می‌پرسم که ساخت چنین وسایلی، نیاز به چه ابزاری دارد؟ فخار درباره تجهیزات مورد استفاده‌اش برای ساخت این آثار هنری می‌گوید: «از کاتر، انبر دست و قیچی تیز برای برش و فرم‌دهی استفاده می‌کنم. وسایل را می‌چینم، دیوارها کنار هم قرار می‌گیرند و ماکت تکمیل می‌شود. متربال کار معمولاً فلز، قوطی اسبری، حلب روغن نباتی و گالوانیزه است. البته من در شروع کار از ضایعات پلاستیک استفاده می‌کردم. آن زمان اتاق کار نداشتم و میز کارم هم کارتن موز بود». او در تکمیل صحبت‌هایش می‌گوید: «هرچه تجهیزات مقاوم‌تر باشد، خروجی هم قوی‌تر خواهد بود که این روزها با توجه به وزن ماکت، آثارم را روی فیبر خام یا نئوپان خام ۱۶ یا ۸ میل سوار می‌کنم.»

برای ساخت بعضی وسایل، مهندسی معکوس می‌کنم

از او درباره پرطرفدارترین وسایلی که ساخته و نحوه به سرانجام رساندن آن می‌پرسم که می‌گوید: «قاشق، چنگال، قابلمه، کتری، رادیو و سایر وسایل قرار گرفته شده روی ماکت اصلی که بر طرفدار تر هستند، حاصل چندین بار تغییر و سرهم شدن هستند. ماده سازنده آن‌ها گاهی ضایعات است. هر پروژه برای من با پاسخ به این سوال که از چی و چطور بسازم، آغاز می‌شود. این پروژه معمولاً بیشتر از اجرای ماکت زمان می‌برد، بررسی روش‌های مختلف برای پیاده کردن اجزای ماکت، آزمون و خطا در خصوص قابل اجرا بودنش و... نوعی مهندسی معکوس به حساب می‌آید». او درباره نقاشی‌های ظریف روی کاسه‌های گل سرخی چند میلی متری هم می‌گوید: «این طرح‌ها به وسیله ترانسفرهایی که حالت برچسب دارد، روی سطح وسایل چسبانده می‌شود.»



هدفم یادآوری خاطرات شیرین گذشته در این روزگار کرونایی است

درگیری بعضی از هموطنان مان با بیماری کرونا که عزیزان شان را هم از دست دادند، سعی کردم در این بازه زمانی وظیفه خودم را به عنوان هنرمند انجام دهم و تلاشی برای بهبود حال مردم با اشتراک گذاری تصاویر این آثار هنری در شبکه‌های اجتماعی داشته باشم. این مجموعه‌ها برای عمده مردم جذابیت دارد چون با دیدن آن‌ها مسافرم زمان می‌شوند، خاطرات شیرین کودکی و نوجوانی شان را به خاطر می‌آورند و عطر روزهای خوش زندگی، مشام‌شان را تازه می‌کند». او در ادامه ضمن اشاره به علاقه‌مندی‌اش به چند رشته هنری دیگر هم می‌گوید: «مدتی پیش برای روزنامه‌های استان کاریکاتور می‌کشیدم و در طول تجربه کاری ام مدتی مربیگری کردم و در زمینه خطاطی، استاپ‌موشن و پویانمایی هم فعالیت داشتم.»



خالق تمام آثار هنری که در پرونده امروز زندگی سلام می‌بینید، فاطمه فخار، متولد سال ۱۳۶۴ در کاشمر است. چنان که خودش برای مان روایت می‌کند، بعد از ازدواج تجربه سفر به دیگر شهرهای کشور را داشته و اکنون ساکن مشهد است. او با این توضیحات می‌گوید: «به نظر من، اهالی هنرهای بومی شده، بیشتر مشغولی هستند. افرادی مثل

آقای علی میری که با تصویرسازی‌های هنرمندانه‌شان سال‌های کودکی دهه شصتی‌ها را تصویر می‌کنند و مخاطب زیادی دارند و آقای جواد خواجوی که با سریال نوروز رنگی و طراحی صحنه کم نظیرش، مشهد شیرین گذشته را به تصویر کشاند، هر دو اهل مشهد هستند و انگار همشهری‌های ما تمایل بیشتری به نوستالژی دارند. در این بین، من هم با توجه به اوضاع بد اقتصادی کشور و

در کودکی با کارتن برای عروسک‌هایم خانه می‌ساختم



فخار درباره تمایلیش به ساخت این آثار بند انگشتی و این که جرقه شروع این کار چه زمانی در ذهنش زده شده است، می‌گوید: «این علاقه ریشه در دوران کودکی ام دارد. زمانی که با مقوا کارتن برای عروسک‌هایم خانه و تخت و کمد می‌ساختم، رختخواب می‌دوختم و کتاب جلد می‌کردم. زمان گذشت تا این که سه سال پیش همراه همسر و برای یک ماموریت کاری سفری به اصفهان داشتیم. محل اقامت مان قدیمی و بدون امکانات مرسوم زندگی امروزی بود. حضور در آن جا خاطرات و شرایط دهه ۶۰ را برایم زنده کرد. همان روز از آن شرایط الگو گرفتم و سه سال پیش ماکت یک سینک با کابینت سبز را که برای استفاده عموم در حیاط قرار داده شده بود، بدون آموزش ساختم.»

خطر می‌کنم تا مخاطبم حس‌پذیری بهتری داشته باشد

چیزی را دریافت کنند که می‌بینند بنا بر این به خاطر خطرناک بودن وسایل گازی، معمولاً آن‌ها را با کار کردن به صورت نفتی و الکلی به مردم تحویل می‌دهیم. در ضمن، کیپسول گاز هایمان در این وسایل غیر قابل نفوذ و شیلنگ آن که از ضایعات ساخته شده با گاز فندک پر شده است.»

